

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل				
تکمیل مآخذ و ویرایش نهایی	ویرایش دوم	ذکر مآخذ	تصحیح و ویرایش اولیه	پیاده‌سازی

حضرت مهدی علیه السلام صاحب و فرمانروای دائمی عالم امر

مصباح‌الهدی، ص ۱۴۰

❁ عالم خلق محکوم عالم امر است!

قرآن کریم فرمود: **أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ**^۲ دو عالم داریم؛ یک عالم خلق که همین عالم کثرت است؛ همین عالم اسباب و مسببات، همین عالم وسایل، و عالم تدریج و زمان است. اینها ویژگی‌های عالم خلق است. عالم خلق، عالم زمان و تدریج است. هر تحولی مستلزم تدریج در آن است. شما می‌خواهید سیب به‌دست بیاورید باید دانه‌ی سیب را بکارید؛ آبیاری کنید؛ به‌تدریج نهالی بروید؛ این نهال به درخت ستبری تبدیل شود؛ بعد در فصل مساعدش شکوفه دهد و شکوفه به‌تدریج به سیب تبدیل شود. این مال عالم خلق است؛ عالم تدریج. اگر می‌خواهی به سیب برسی، سببی دارد. درخت و شکوفه لازم است، آن خورشیدی که می‌تابد، آن اکسیژنی که در فضا هست، آبی که پای آن است، مواد غذایی که در داخل خاک است و جذب درخت می‌شود، تمام اینها شرایط و اسباب و وسایل است برای رسیدن به سیب. پس عالم خلق، عالم اسباب و وسایل است؛ عالم شرایط، عالم تدریج و عالم زمان است. این عالم خلق است؛ اما یک عالم دیگر هم فرمود: **أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ**. یک عالم هم داریم؛ عالم

۱. طبیب، مصباح‌الهدی، ص ۱۴۰.

۲. سوره‌ی اعراف، آیه‌ی ۵۴.

امر است. عالم امر، دیگر عالم زمان نیست؛ عالم تدریج نیست؛ عالم اسباب و وسایل نیست؛ عالم مشروط بودن هر چیزی به مقدمات نیست. آنجا همه چیز در لحظه است و همه چیز مستقیماً با اراده‌ی خدا مرتبط است. در عالم امر زمان نیست. **وَ مَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمَحٍ بِالْبَصَرِ**.^۳ مثل یک چشم به هم زدن؛ هیچ زمان و تدریج در آن نیست. آنجا متکی بودن به مقدمات و اسباب و وسایل هم ندارد. فرمود: **إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ**.^۴ این امر است. هیچ مقدماتی که تخم را بکار و آبیاری کن تا نهال شود و درخت شود و شکوفه بدهد و میوه شود و برسد و یک سیب رسیده به دست بیاید... اینها دیگر نیست. در عالم امر این طور است: **إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ**. اینها ویژگی‌های عالم امر است.

عالم خلق سایه‌ی عالم امر است. گفت: صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی. چیزهایی که در عالم خلق می‌بینید نازله‌ی آن حقایقی است که در عالم امر است. مثلاً سایه می‌ماند؛ سایه و صاحب‌سایه؛ سایه‌ی چیزهایی است که در عالم امر است. خب، سایه تابع صاحب‌سایه است. اگر شما جایی بایستید و سایه‌تان روی دیوار یا زمین بیفتد، هر جا شما حرکت کنید، سایه‌ی شما هم روی دیوار یا زمین دنبال شما حرکت می‌کند. سایه تابع صاحب‌سایه است. معلول تابع علت است. عالم خلق محکوم عالم امر است. همان‌طور که سایه محکوم به تبعیت از صاحب‌سایه است، عالم خلق و عالم کثرت هم محکوم و تحت حکم و حاکمیت عالم امر است. هر چه این پایین اتفاق می‌افتد اصلش آن بالاست. بالا اتفاقاتی می‌افتد که سایه‌اش را پایین به این صورت‌ها می‌بینیم. همه چیز ریشه در عالم امر دارد.

۳. سوره‌ی قمر، آیه‌ی ۵۰.

۴. سوره‌ی یس، آیه‌ی ۸۲.

حالا اگر کسی در سلوک خودش بتواند از عالم خلق خارج شود و به عالم امر راه پیدا کند، آنجا می-بیند که همه‌ی اتفاقاتی که دارد می‌افتد، درست است. دقیقاً همه‌چیز باید همین‌طوری اتفاق بیفتد. حاکمیت عالم امر بر عالم خلق را با چشم شهود باطنی می‌بیند. آن وقت کسی به عالم امر راه پیدا کند، می‌داند چه می‌شود؟ صاحب‌الامر علیه‌السلام را هم می‌بیند. امام‌زمان علیه‌السلام ولیّ اعظم خدا، صاحب‌الامر است. ایشان اولی‌الامر است. **أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ**.^۵ ایشان اولی‌الامر و صاحب‌الامر است. این امر همان عالم امر است. در آن عالم غیبت وجود ندارد. آنجا امام غایب نیست. سر رشته‌ی امور همه‌ی عالم در دست امام است. آنجایی که اینجا سایه‌ی آن است، فرمانروایش همین الان هم امام‌زمان علیه‌السلام است.

شما در دنیا ظاهراً نگاه می‌کنید؛ این کشور پادشاهش فلانی است؛ آن کشور رئیس‌جمهورش اوست؛ آن کشور زمامدارش آن یکی است... در حقیقت کلّ عالم خلقت، کلّ عالم خلقت! نه کره‌ی زمین، نه منظومه‌ی شمسی، نه کهکشان خطّ شیری، بلکه تمام جهان خلقت، تمام عالم خلقت، همه محکوم عالم امر است و فرمانروای عالم امر، صاحب‌الامر علیه‌السلام است. پس سررشته‌ی کارها از دست خدا و امام بیرون نیست. همه‌چیز در دست خودشان است. همه‌چیز تحت فرمان و اراده‌ی آنهاست؛ منتها باید به این معرفت رسید و این حقیقت را دید. یک سر سوزن، هیچ اتفاقی نمی‌افتد؛ مگر اینکه ولیّ‌امر خدا اذن دهد و اراده کند. هیچ اتفاقی نمی‌افتد! این پایین است که شما می‌گویید حسن کرد؛ حسین کرد؛ شهین یا مهین کرد... همه‌چیز در دست صاحب‌الامر علیه‌السلام است. همه‌چیز تحت حاکمیت و اقتدار اوست. هیچ‌چیزی از دست خدا بیرون نرفته است. پس عالم خلق، محکوم عالم امر است.

✿ **عالم خلق یعنی دنیا، جهل در جهل است و عالم امر مربوط به خدا و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و ائمه علیهم‌السلام است و نور در نور است.**

۵. سوره‌ی نساء، آیه‌ی ۵۹.

اینجا سایه است؛ تاریک است؛ جهل است؛ ناشناخته است؛ ظلمت است. آنجا کجاست؟ نور است؛
روشنایی است؛ آگاهی است.

🌸 **عالم امر وادی امن است.**

یعنی هرکس به عالم امر راه پیدا کند، آنجا دیگر در امان الهی است؛ در امن الهی است؛ چون آنجا
غیرخدا و غیر ولی خدا کسی حاکم نیست؛ کسی کارهای نیست. هرکس خودش را زیر سایه‌ی ولایت
خدا و ولی الله ببرد، در امنیت مطلق به سر می‌برد. امام رضا علیه السلام فرمودند: **كَلِمَةُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي**
فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي.^۶ این وادی امن است؛ هرکس وارد حصن **لا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ** شد، در امن و
امنیت مطلق است. فرمودند: **وَلَا يَهُ عَلِيٌّ بِنِ أَبِيطَالِبٍ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي**.^۷ هرکس وارد
قلمرو ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام شد، او هم به وادی امن راه پیدا کرده است. هر دو یکی است. پس عالم
امر وادی امن است. آنجا غیر خدا کسی کارهای نیست؛ لذا نه اضطرابی داریم؛ نه نگرانی‌یی داریم؛ نه
غصه و حسرتی. هر چیزی اتفاق افتاده، به بهترین صورتی که قابل تصور است اتفاق افتاده. در آینده
هم هرچه قرار است واقع شود، بهترین چیز قابل تصور است. پس نگرانی برای آینده چرا؟ غصه نسبت-
به گذشته چرا؟ مؤمن در امنیت مطلق زندگی می‌کند: **لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ**.^۸

🌸 **هر که به عالم امر وارد شد، صاحب الامر علیه السلام را ملاقات می‌کند.**

این هم خبر خوش! ان شاء الله وارد عالم امر بشویم؛ آن وقت دیدار صاحب الامر علیه السلام آنجا دیدار لحظه‌ای
نیست که بگوییم یک لحظه ملاقات می‌کنیم. آنجا دائماً او را می‌بینیم. گفت: **عَمِيْتُ عَيْنَ لَا تَرَكَ**؛^۹ آن

۶. مجلسی، بحار الانوار، ج ۳، ص ۷ و ۱۳ و محدث نوری، مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۴۸۵ و اربلی، كشف الغمّه، ج ۲، ص ۳۰۸.

۷. صدوق، عيون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۳۵ و صدوق، معاني الاخبار، ص ۳۷۱ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۲۴۶.

۸. سوره بقره، آیه ۶۲ و سوره یونس، آیه ۶۲.

۹. سیدین طاووس، اقبال الاعمال، ج ۱، ص ۳۴۹ و محدث قمی، مفاتيح الجنان، دعای روز عرفه.

دیده‌ای که تو را نبیند کور باد! یک لحظه او مخفی نیست. کسی به عالم امر راه پیدا کند، **إِنَّمَا تُؤَلُّوا** **فَتَمَّ وَجْهَ اللَّهِ؛**^{۱۰} هر طرف رویش را بگرداند وجه‌الله را می‌بیند. یک لحظه مخفی نمی‌شود! و وجه‌الله کیست؟ ولیّ امر است؛ صاحب‌الامر **ﷻ** است.

✿ **عالم خلق همه‌اش نمی‌داند است؛ ولی عالم امر همه‌اش می‌داند و می‌فهمد است. شما بین این دو عالم هستید.**

یعنی دوست اهل بیت دارد این برزخ را طی می‌کند. قبلاً هم گفته‌ام، نه صد درصد اسیر اسباب و وسایل هستیم که خدا را نبینیم و اراده‌ی خدا را در عالم نبینیم، بالاخره می‌بینیم که خدا هم در عالم کاره‌ای است، همه‌چیز اسباب و وسایل نیست، نه صد درصد هنوز راه به جایی پیدا کرده‌ایم که اصلاً اسباب و وسایل را نبینیم. گفت:

دیده‌ای خواهم سبب سوراخ کن تا سبب را برکنند از بیخ و

بُن

هنوز هم به آنجا نرسیدیم که اسباب و وسایل را اصلاً نبینیم و به‌طور مطلق حاکمیت اراده‌ی خدا را در عالم ببینیم؛ ببینیم ولیّ‌الله است که همه‌ی کارها را خودش می‌کند. هر حرفی می‌شنویم از لسان-الله می‌شنویم. هر چیزی می‌گیریم از یدالله می‌گیریم. هنوز به اینجا هم نرسیده‌ایم؛ بین این دو عالم داریم راه می‌رویم. این برزخ سیر دوست اهل‌بیت **ﷻ** است. از دنیای صرف، از جهل صرف، از ظلمت و تاریکی صرف، راه افتاده و به‌سمت نور صرف و آگاهی صرف حرکت می‌کند. انشاءالله فاصله‌ی بین شب دنیا و روز قیامت که بین‌الطلوعین است هرچه سریع‌تر به برکت اهل‌بیت **ﷻ** طی شود.

۱۰. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۱۵.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

اهل ولاة

www.ahlevela.com

اهل ولاة

www.ahlevela.com

اهل ولاة